

کندوکاوی در روزنامه میرزا محمد کلانتر فارسی

دیوانسالاری فارس در
۹۹-۱۱۴۲ ه.ق. / ۸۵-۱۲۳۰ م.

روزنامه

میرزا محمد کلانتر فارس
شامل وقایع قسمتهای جنوبی ایران

از سال ۱۱۴۲ تا ۱۱۹۹ هجری قمری

با اهتمام

عباس قبال

با مقدمه و حواشی از فخری

از انتشارات

کتابخانه سنی / کتابخانه کهنوری

● ناهید بهزادی

سرگذشتها و خاطرات اگرچه به دلیل شخصی بودن آن در چارچوب تاریخنگاری رسمی قرار نمی‌گیرند، اما به لحاظ نوع اطلاعاتی که در مقایسه با تواریخ رسمی - که به طور عمده به شرح جنگ‌ها و وقایع می‌پردازند - ارائه می‌نمایند در بررسی‌های تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این کتاب‌ها به فراخور شغل و منصب شخصی که خاطرات خود را تحریر نموده، جزئیات دقیق و مهمی از احوال اجتماعی، زندگی مردم و وضعیت منصب شخص محرر عرضه می‌کنند. «روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس» از جمله این کتب می‌باشد که بدون تردید جایگاه ارزشمندی آن در بررسی تاریخ قسمت‌های جنوبی ایران در قرن دوازدهم هجری بر اهل تاریخ پوشیده نیست.

میرزا محمد پسر میرزا ابوالقاسم در ۱۱۳۳ ه.ق. / ۱۷۲۰ م. در خاندان سادات شریفی حسنی متولد شد. این خانواده به علت انتساب به سید شریف حسنی شیرازی که در ۹۱۵ ه.ق. / ۱۵۱۰ م. به مقام صدارت دربار شاه اسمعیل اول رسید، به این نام معروف شدند تا از طایفه دیگری از سادات مذکور که آنها نیز در شیراز اقامت داشته و سادات حسینی خوانده می‌شدند، متمایز گردند. میرزا محمد بعد از فوت پدرش در ۱۱۴۲ ه.ق. / ۱۷۳۰ م. تحت سرپرستی میرزا محمد حسین شریفی خال بزرگش قرار گرفت. او در آن هنگام تولیت بقعه شاهچراغ را که وظیفه دیرینه و موروثی این خاندان از اوایل قرن دهم هجری بود، برعهده داشت و به زودی خواهرزاده‌اش را در سلسله نویسندگان دفتر و مستوفیان درآورد. با خالصه شدن تمام تیولات و موقوفات توسط نادر در ۱۱۴۹ ه.ق. / ۱۷۳۷ م. خالش که از بابت املاک میمند که موقوفه بقعه شاهچراغ بود، خسارت زیادی دیده بود، برای جلوگیری از تقلب عمال و ضابطان، او را متصدی امور دفتر املاک مزبور نمود. بعد از مدتی نادر که از عدم پرداخت به موقع مالیات فارس ناراضی بود، تعدادی از ضابطان و کلانتران فارس را به قتل رساند و میرزا محمد حسین را به سمت کلانتری فارس منصوب نمود، صاحب اختیار فارس کرد. مشارالیه تا روزگار استیلای علی مردان خان بختیاری بر فارس در ۱۱۶۵ ه.ق. / ۱۷۵۲ م. در سمت خودباقی ماند. در این سال میرزا حسین و خواهرزاده‌اش که معاونت او را برعهده داشت و مدافع کریم خان بودند، از کار برکنار شدند. با تصرف شیراز در ۱۱۷۰ ه.ق. / ۱۷۵۷ م. میرزا محمد به جای خالش که دو روز پیش از تصرف شهر درگذشته بود و به پاس حمایت از خان زند به کلانتری فارس منصوب گردید. او تا پایان زمامداری وکیل در آسودگی زیست و به خرید املاک و جمع‌آوری ثروت پرداخت که سیاهه آن در کتابش درج شده است. بعد از مرگ وکیل در ۱۱۹۳ ه.ق. / ۱۷۷۹ م. او گرفتار منازعات مدعیان جانشینی گردید تا سرانجام در ۱۱۹۶ ه.ق. / ۱۷۸۲ م. با تصرف شیراز از سوی علی مرادخان زند، ایالت فارسی برعهده او نهاده شد. با فوت علی مرادخان در ۱۱۹۹ ه.ق. / ۱۷۸۵ م. در مورچه خورت، میرزا محمد به اصفهان آمد و با تسلط

آقا محمد خان قاجار بر این شهر، بر خلاف میل خود با مشارالیه عازم تهران گردید و در همین شهر خاطرات خود را تحریر نمود. او مدتی بعد از اتمام کتاب در ۱۲۰۰ ه.ق. / ۱۷۸۶ م. به اصفهان آمد و در سن ۶۸ سالگی در این شهر درگذشت.

میرزا محمد زمانی که «از نارسایی بخت و عدم مساعدت زمان» در تهران گرفتار بود و نزدیک بود که به مقتضای مثل مردم شیراز که «دیوانه را دنگی بس است دیوانه‌وار سر به صحرا» گذارد،^۱ تصمیم به نگارش مجملی از سرگذشت حال و احوال خود گرفت. از این رو قلم خویش را برای ابراز گله‌مندی از شرایط حاضر و گذشته‌اش به کار گرفته، از بد زبانی و هتاک‌نسی نسبت به دشمنان خود و خالش دریغ نکرده است. او اوضاع فارس به خصوص شیراز را از روزگار محمود افغان تا سرانجام کار زندیه بر اساس مسموعات و مشاهدات خود تحریر نمود.

در ارزیابی «روزنامه میرزا محمد» دو دسته موضوع که ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، شایسته توجه می‌باشند: نخست وقایع و رویدادهای سیاسی فارس و دوم سازمان حکومتی و دیوانسالاری این منطقه. در باب اهمیت این کتاب در تشریح رویدادهای سیاسی فارس باید خاطر نشان نمود که اگرچه مطالب آن بسیار قابل توجه و مهم می‌باشد اما از آنجا که کتاب دربردارنده خاطرات مشارالیه است و مؤلف برای شکوه و شکایت از روزگار بیشتر به وقایعی که در ارتباط با خودش بوده، پرداخته است، ارزیابی وقایع و شخصیت‌ها پیوند نزدیکی با امور و احوال شخصی مؤلف دارد. مانند درگیری وی با میرزا ابوالحسن خان شیرازی و اسمعیل خان قشقایی که آنها را به یاد ناسزا و توهین می‌گیرد.^۲ او حوادث را با قلمی مختصر و بدون ذکر تاریخ نوشته است، رویدادهایی که برخی از آنها در منابع اصلی روزگار افشاروزند، کتبی چون «جهانگشای نادری»^۳ و «گلشن مراد»^۴ با شرح و تفصیل بیشتری به آن پرداخته شده است، به علاوه اینکه در صحت و درستی بسیاری از ارقام ارائه شده در این کتاب باید با شک و تردید نگریست. به طور مثال او از مرگ صد هزار شیرازی در اثر گرسنگی و سرما در ۱۱۳۶ ه.ق. / ۱۷۲۵ م. در واقعه حمله افغانه می‌نویسد.^۵

فارس در دوره افشار به علت دوری از تختگاه آنها در خراسان ایالت آرامی نبود، چنانکه میرزا محمد به نقل از نادر می‌نویسد «این فارسیان متنبه نمی‌شوند گاهی با محمدخان بلوچ همداستان و ما را از بغداد می‌آورند و گاهی تقی شیرازی را اعانت می‌کنند و حال قیاقلی آقا قورق را دست آویز کرده‌اند».^۶ وقایع دوره افشاری در «روزنامه میرزا محمد» بیشتر به شرح شورش‌های این ایالت مانند شورش محمدخان بلوچ، محمدتقی خان شیرازی و قیاقلی آقا قورق جارچی اختصاص دارد و درد و محنت فارسیان را در این شورش‌ها به خصوص در طغیان تقی خان که بعد از قتل تعداد زیادی از مردم توسط لشکر افغان، ازبک و ترکمان

افشاری، چهارده هزار نفر نیز در اثر وبا درگذشتند و به قول میرزا «آنچه از دزد مانده بود به فالگیر رسید» می نویسد.^۷ توطئه های سرکردگان ازبک و افغان علیه اعیان قزلباش در شیراز بعد از قتل نادر، منازعات بیگلبیگی های انتصابی از سوی مدعیان جانشینی نادر و چگونگی تفوق هر یک از آنها از سایر مطالب این بخش می باشد. وقایع روزگار زندیه به طور عمده به رویدادهای قبل از استقرار وکیل در شیراز در ۱۱۷۹ ه.ق. / ۱۷۶۶ م. و درگیری جانشینان وی مربوط می شود. در این قسمت میرزا محمد به شورش دشتستانی ها در دشتستان اشاره کرده که توسط وکیل سرکوب شده است.^۸

هیچ یک از منابع این دوره به این شورش نپرداخته اند، بلکه به طور عمده از شورش قشون دشتستانی در اصفهان به رهبری احمد شاه اعمی در ۱۱۶۸ ه.ق. / ۱۷۵۵ م. علیه کریم خان سخن رانده اند^۹ که میرزا محمد به اختصار به توقف خان زند در اصفهان به سبب اختلاف سپاه دشتستان از آن یاد کرده است^{۱۰} و چون خود در اصفهان نبوده هیچ توضیحی در این باره نداده است. صفحات اندکی از «روزنامه میرزا محمد» به چهارده سال اقامت وکیل در شیراز اختصاص دارد چراکه وی با استفاده از ثبات و آرامش حاکم بر کشور به خرید ملک و مستغلات گذرانده است. او از برخی سیاست های وکیل مانند تسخیر بصره انتقاد می کند و می نویسد «خان بدون جهت آن را پیشنهاد خاطر ساخته، مبلغ ها ضرر به خود رساند» و «تخمیناً به قدر ده هزار نفر کشته شدند و مطلقاً فایده نداشت و بالاخره از حزن و اندوه بصره جان خود را باخت»^{۱۱}

او از تغییر خلق کریم خان در سال های آخر زمامداریش یاد می کند و می نویسد «یک سال ولایات ایران خصوصاً شیراز در اضطراب و متزلزل احوال بودند»^{۱۲}

صرف نظر از اهمیت این کتاب در انعکاس اخبار و وقایع سیاسی فارس در قرن دوازدهم هجری، خاطرات میرزا محمد از رهگذر تشریح دیوانسالاری فارس در این دوره حائز توجه بیشتر بوده، منحصر به فرد است.

میرزا سال ها در مقام معاونت خانش و سپس کلاتتری فارس انجام وظیفه کرده، جزئی از دیوانسالاری این ایالت بود و به اقتضای منصب خود که امور مالی و امور متعلق به کسب و کار اصناف را عهده دار بود، با سازمان مالی و حکومتی فارس پیوند نزدیکی داشت. فارس که همواره از ایالات ثروتمند به حساب می آمد، محل تحصیل و درآمد زیادی برای حکومت مرکزی بود و دیوانسالاران آن که وظیفه اصلی آنها جمع مال و مالیات بود یا عزل و نصب های دائمی مواجه بودند. این مسئله به خصوص در روزگار نادر که حکومتی متکی بر تهاجمات نظامی داشت و قشونش از بغداد تا دهلی را در می نوردید، بسیار حائز اهمیت تلقی می گردید. میرزا محمد به تعدادی از حکمرانان فارس در دوره نادر مانند محمد خان بلوچ، محمد تقی خان شیرازی،

میرحسن یکم، حاتم خان کردبادلو و قیافلی آقا قورت اشاره می نماید که اکثریت آنها به واسطه ناتوانی در پرداخت مالیات درخواست شده از سوی نادر عزل شدند. او که از فارسیها دل خوشی نداشت پس از خاتمه بخشیدن به نافرمانی قیافلی آقا، به مؤاخذه عمال، ضابطان و کلاترین فارس پرداخت و خطاب به آنها گفت «جهت تهاون در خدمات دیوانی و ادای مال دیوان چیست و چرا مال ما را نمی دهید؟»^{۱۳} و به دنبال آن تعدادی از آنها را به قتل رساند و تشکیلات جدیدی برای اخذ مالیات برقرار نمود و مالیاتی، به مبلغ سیصد و هفتاد و پنج هزار تومان بر فارس تعیین کرد.^{۱۴} میرزا محمد مناسبات بیگلبیگی، مستوفی و کلاتر را در رابطه با امور مالیاتی و تأمین مال و سیورسات قشون که «امر خطیری بود و وصول ایفاد آن معتذر»^{۱۵} و تأثیر آن در قیمت غله و نایابی آن به خوبی تشریح می کند. زمانی که نادر مقرر کرده بود مواجب و احتیاجات سپاه فارس و عمان که به سرداری علیخان کلاوند در بندرعباس مستقر بود از درآمد فارس تأمین شود، نابسامانی دیوانسالاری فارس، خرابی آن ولایت و فرار مردم از اکثر بلوکات مانند کوار، خفر و سروستان فارسی ها را به فلاکت کشاند.

میرزا محمد روابط و رقابت بین مسئولان حکومتی، نظامی و مالی فارس را که گاه بسیار خصمانه بود، توضیح می دهد، درگیری بین میرزا تقی خان بیگلبیگی فارس در دوره نادر و سرداران این ایالت که به طور عمده از ایل افشار منصوب می شدند مانند کبعلی خان افشار - که به قتل او منجر گردید - و حسین خان افشار قرقو و نیز نزاع بین میرزا ابوالحسن خان بیگلبیگی شیراز و صالح خان بیات سردار آن در زمان جانشینان نادر حائز اهمیت است.

نقش گروه های محلی در منازعات رقبای از دیگر مطالب ارزشمند این کتاب می باشد: اتحاد تفتنگچیان سمقانی و گرمسیرات سنی مذهب فارس مثل جویم، خنج و قشور با محمود افغان به سبب پیوستگی مذهبی در محاصره شیراز، اتفاق طایفه بلوچ و عشایر خوزستان در شورش محمد خان بلوچ علیه نادرشاه، همراهی دشتستانی ها با حسین خان قرقو علیه تقی خان بیگلبیگی فارس، اتحاد دشتستانی ها و خشتی ها با میرزا حسین شریفی که باعث ترقی خشتی ها از افشارهای کازرون شد و خشت را از تفوق آنها خارج کرد، حضور نیروهای محلی دشتستانی و خشتی به رهبری عبدعلی خان دشتستانی در منازعات بیگلبیگی های انتصابی از سوی جانشینان نادر، اتحاد دشتستانی ها با وکیل در نبرد با آزاد خان و اتحاد ممسنی ها با خان زند از اهم موارد مذکور می باشد. او همچنین از کوچانیدن ایلات رحیمی و شش بلوکی در زمان نادر که بعدها جزء اتحادیه ایل قشقائی گردیدند، به اختصار یاد می کند.

مرحوم اقبال «روزنامه میرزا محمد کلاتر» را با مقایسه دو نسخه که هر دو پر اشتباه و مغلوط بوده اند، تصحیح نموده است: یک نسخه متعلق به مرحوم سعید نفیسی که در ۱۳۲۴ ه.ق. استنساخ شده و دیگری متعلق

به کتابخانه ملی که در ۱۳۹۹ ه.ق. نوشته شده و در مقایسه با نسخه نفیسی از غلط های کمتری برخوردار بوده است. با وجود زحماتی که اقبال در تصحیح کتاب متقبل شده است، نثر پراشکال، جملات کوتاه و بریده و «انشاتلگرافی» کتاب در پارهای موارد فهم آن را دشوار ساخته است، بویژه اینکه باید توجه داشت میرزا محمد خاطرات خود را در روزگار پیری تحریر نموده و به طور عمده به ذکر حوادثی پرداخته که در ارتباط با خود وی بوده است از این رو مطالب پیوستگی لازم را دارا نمی باشند. با توجه به این موضوع به نظر می رسد حواشی و توضیحات آخر کتاب که به طور عمده از فارسنامه ناصری اقتباس شده، کافی و رسا نیست، به خصوص اینکه اقبال در مورد بسیاری از اسامی و شخصیت ها نیز توضیحی ارائه نکرده است. این کتاب صرف نظر از جابه جایی صفحات در مقدمه ناشر از چاپ مطلوبی برخوردار است.

پی نوشت:

۱. روزنامه میرزا محمد کلاتر فارس، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران، کتابخانه سنایی و طهوری، ۱۳۶۲، ص ۱.
۲. همان، ص ۶۹.
۳. میرزا مهدی خان استرآبادی، جهانگشای نادری، به اهتمام سیدعبدالله انوار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۱.
۴. ابوالحسن غفاری کاشانی، گلشن مراد، به اهتمام غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، زرین، ۱۳۶۹.
۵. روزنامه میرزا محمد، ص ۲.
۶. همان، ص ۲۲.
۷. همان، ص ۱۸.
۸. همان، ص ۵۶.
۹. گلشن مراد، ص ۵۲-۵۰، محمد صادق نامی، تاریخ گیتی گشا، تحریر و تحشیه عزیزالله بیات، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۴۶. حاج میرزا حسن حسینی فسائی، فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۲۱۰.
۱۰. پیشین
۱۱. همان، ص ۶۸.
۱۲. همان.
۱۳. همان، ص ۲۲.
۱۴. همان، ص ۲۵.
۱۵. همان، ص ۳۲.

